

## ● نقد و معرفی کتاب

### جهانی شدن سیاست بین الملل،

### مقدمه‌ی بر روابط بین الملل

John Baylis and Steve Smith, *The Globalization of World Politics, An Introduction to International Relations*; (Oxford, Oxford University Press, 1999), pp. 529.

و سیاست بین‌الملل را توضیح بدهد.

اهداف این کتاب عبارتند از:

الف) آرایه‌ی نظرات متفاوت سیاست جهانی در عصر جهانی شدن

ب) آرایه‌ی خلاصه‌ی رویکردهای تئوریک اصلی و قابل دسترس که بتوان سیاست جهانی معاصر را توسط آنها توصیف کرد.

ج) جمع‌آوری مطالب مهم به منظور پاسخگویی به سؤال‌ها و درک جهانی شدن به عنوان یک تغییر بنیادین در سیاست جهانی.

در مقدمه نویسنده راجع به سه نظریه‌ی

مورد مطالعه در سیاست جهانی بحث کرده است

که عبارتند از نظریه‌های الف) واقع‌گرایانه

کتاب «جهانی شدن سیاست‌های

جهان، مقدمه‌ی بر روابط بین‌الملل» به صورت

مجموعه مقاله است که توسط جان بایلیس و

استیو اسمیت گردآوری و تنظیم شده است. این

دو پروفیسور، در بخش سیاست بین‌الملل

دانشگاه ولز به تدریس اشتغال دارند. آخرین

تألیفات بایلیس عبارت است از: مسایل دشوار

سیاست جهانی، دیپلماسی واقع‌گرایانه، بریتانیا

و ناتو، ابهام و بازدارندگی، راهبرد سلاح‌های

هسته‌ی بریتانیا ۱۹۶۴-۱۹۴۵، آخرین تألیف

اسمیت نیز تئوری روز روابط بین‌الملل است.

کتاب حاضر شامل یک مقدمه و چهار

فصل و مجموعاً ۲۴ مقاله از افراد مختلف است.

در این کتاب سعی شده سیاست جهان معاصر به

تصویر کشیده شود و وابستگی روابط بین‌الملل

ب) لیبرالیستی ج ( نظام جهانی.<sup>۱</sup>

در ادامه نویسنده در مورد هر یک از این نظریه‌ها بحث می‌کند و می‌گوید: واقع‌گرایان بیشتر به روابط قدرت بین دولت‌ها توجه می‌کنند. لیبرال‌ها به تعامل بین دولت‌ها و بازیگران سازمان‌های غیردولتی و نظریه‌پردازان نظام جهانی به الگوهای اقتصاد جهانی توجه دارند.

از منظر واقع‌گرایان، جهانی شدن ترکیب سیاست جهانی را تعدیل نمی‌کند بلکه با افزایش رابطه بین اقتصاد دو جامعه ممکن است وابستگی زیادی بین آن دو حکم‌فرما شود در صورتی که ما نمی‌توانیم درباره‌ی نظام دولتی چنین ادعایی بکنیم. اینها معتقدند، دولت‌ها حاکمیت‌های خودشان را حفظ می‌کنند و جهانی شدن نمی‌تواند مبارزه‌ی قدرت سیاسی بین دولت‌ها را تعدیل کند و هم‌چنین نمی‌تواند ضرورت تهدید برای استفاده از زور یا اهمیت توازن قوا را داشته باشد. جهانی شدن ممکن است به اقتصاد، فرهنگ و زندگی روزمره تأثیر گذارد، اما نمی‌تواند نظام سیاسی بین‌المللی دولت‌ها را ارتقا دهد.

از منظر لیبرال‌ها، جهانی شدن یک تصویر بسیار متفاوتی دارد. آنها جهانی شدن را به عنوان پایان دست‌آورد انتقال بلند مدت سیاست جهانی می‌دانند. لیبرال‌ها منافع ملی را می‌بینند و تأکید به موضوعاتی چون اقتصاد،

فن‌آوری و زیست محیطی دارند. آنها اظهار می‌دارند که نظم در سیاست جهانی فقط در توازن نیروها ظهور نمی‌کند، بلکه از تعامل بین دولت‌ها و بازیگران سازمان‌های غیردولتی منتج می‌شود و در نهایت نظریه‌ی نظام جهانی به الگوهای اقتصاد جهانی توجه می‌کند. یک نظریه پرداز نظام جهانی فکر می‌کند که رفتار دولت‌ها تقریباً توسط نیروهای طبقاتی تعیین می‌شود.

نظریه پردازان نظام جهانی معتقدند که جهانی شدن پدیده‌ی مصنوعی و ساختگی است و یک پدیده نوینی نیست. آنها جهانی شدن را به عنوان آخرین مرحله از توسعه‌ی سرمایه‌داری بین‌المللی می‌دانند. نحوه‌ی انتقال اقتصاد آن‌چنان وسیع است که سیاست جدید جهانی را ایجاد خواهد نمود. اقتصاد جهانی با بخش‌های دیگری ارتباط دارد که می‌تواند با افزایش دارایی و تجارت بین‌المللی رابطه‌ی بسیار نزدیکی داشته باشد.

مقاله‌ی «جهانی شدن سیاست بین‌الملل»، در نظر دارد تا به طور اعم مفاهیم جهانی شدن نظام دولتی و جهانی شدن ماهیت سیاست‌های جهان را توضیح دهد. در بخش اول این مقاله تعاریف متعدد جهانی شدن آورده شده است. در بخش دوم به این موضوع می‌پردازد که چگونه جهانی شدن می‌تواند سیاست را که در

1. World System.

اولین مقاله‌ی فصل دوم تحت عنوان «واقع‌گرایی» است. نویسنده در این بخش ۲ سؤال عمده را مطرح می‌کند. اول این که چرا واقع‌گرایی یکی از تئوری‌های مهم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و دوم این که آیا فقط یک واقع‌گرایی وجود دارد یا بیشتر؟ نویسنده در پاسخ به سؤال اول معتقد است که واقع‌گرایان استدلال بسیار قوی می‌آورند برای حالتی جنگی که وضعیت متعارف دایمی را در نظام بین‌المللی دارد و برای پاسخ به سؤال دوم اظهار می‌دارد که با وجود اختلاف‌های زیادی که بین واقع‌گرایی تاریخی و واقع‌گرایی ساختاری وجود دارد، ممکن است در یک مطلب اساسی و مهم همه‌ی واقع‌گرایان دارای مواضع مشترک باشند. در ادامه وی به طور خلاصه راجع به سه طرح کلی مشترک: الف- خودیاری ب- تمرکز قدرت اقتصادی در دولت مرکزی ج- بقا بحث کرده است.

دومین مقاله‌ی این فصل تحت عنوان «تئوری نظام جهانی» است. در این فصل طرح کلی از رویکرد مطالعاتی سیاست‌های جهانی که به عنوان تئوری نظام جهانی شناخته شده‌اند، بحث گردیده است. در این مقاله بررسی شده که رفاه نسبی اقلیت وابسته به فقر اکثریت است. نگارنده مدعی می‌باشد که اکثریت به اصطلاح جهان سومی باید رنج ببرند تا ما در غرب با رفاه بیشتری به زندگی خود ادامه دهیم. ساختار نظام

راستای نظام و ستفالی حرکت می‌کند، تغییر دهد. در پایان این مقاله نویسنده راجع به دموکراسی بحث کرده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد این کتاب دارای ۴ فصل است. فصل اول تحت عنوان «یافت تاریخی» که از ۴ بخش ۱- ارزیابی جامعه‌ی بین‌المللی ۲- تاریخ بین‌الملل ۱۹۴۵-۱۹۰۰، ۳- تاریخ بین‌الملل ۱۹۹۰-۱۹۴۵ ۴- پایان جنگ سرد تشکیل شده است؛ دو هدف اساسی در این فصل مشاهده می‌شود، اول معرفی جنبه‌های اصلی تاریخ بین‌الملل است و در این راستا، تاریخ بین‌الملل را از یونان باستان تا قرن بیستم مورد بررسی قرار داده است نویسنده اعتقاد دارد که ما به درک بنیادی از توسعه‌ی اصلی جوامع در تاریخ سیاست جهانی نیاز داریم و هم‌چنین، باید این جنبه‌ها را با دوره‌ی معاصر، مقایسه و در مورد آنها اندیشه کنیم. هدف دوم توجه را به موضوعات اصلی تاریخ بین‌الملل معطوف داشته است که در این صورت خواننده می‌تواند فهم عمیق‌تری از موضوع داشته باشد. در این فصل سعی شده به این سؤال پاسخ داده شود که آیا پدیده‌ی نوین جهانی شدن تغییرات بنیادین را در الگوهای تاریخ بین‌الملل به وجود می‌آورد؟ فصل دوم تحت عنوان «تئوری‌های سیاست جهانی» است که از ۴ مقاله به شرح زیر تشکیل شده است:

سیاست جهانی امری مهم و اساسی است دوم این که چگونه می‌توان با توجه به این تئوری‌های ارایه شده؛ جهانی شدن را به طرق مختلف تفسیر کرد.

فصل سوم تحت عنوان «ساختارها و فرآیندها» است. مقاله‌ی اول این فصل تحت عنوان «امنیت بین‌المللی در عصر بعد از جنگ سرد» است. این مقاله به ۲ مبحث عمده درباره‌ی تأثیرات پایان جنگ سرد در امنیت بین‌المللی اشاره کرده است. مبحث اول متذکر می‌شود که روح کلام در امنیت بین‌المللی بعد از پایان جنگ سرد به صورت جزئی تغییر کرده است: احتمالاً روابط بین‌الملل در آینده به عنوان یک موضوع بسیار مهم و حاد مطرح خواهد شد، چنانچه در گذشته و بعد از جنگ سرد نیز چنان بوده است. مبحث دوم پیشنهاد می‌کند که همکاری و نیز رقابت یکی از خصیصه‌های سیاست بین‌الملل در گذشته و بعد از جنگ سرد بوده است و این امر فرصتی را برای ایجاد نظام مساعد در امنیت بین‌المللی و توسعه‌ی آن گشوده است. نویسنده در ادامه به مبحث رئالیست سنتی و دیدگاه‌های نئورئالیست معاصر در امنیت بین‌المللی پرداخته است. در پایان این مقاله وی به ادامه‌ی تنش‌های بین امنیت بین‌المللی و امنیت ملی اشاره می‌کند.

مقاله‌ی دوم این فصل تحت عنوان «اقتصاد سیاسی بین‌المللی در عصر

جهانی براساس منطق کاپیتالیسم جهانی سازماندهی شده است. زندگی «مرفه» اقلیت وابسته به رنج و فلاکت اکثریت است، بنابراین تئوری نظام جهانی براساس دیدگاه کارل ماکس تکرار می‌شود. این مقاله بیشتر بر موضوع تئوری‌های نظام جهانی و خصیصه‌هایی که طرفداران تز جهانی شدن قویاً به آنها اشاره می‌کنند، پرداخته است.

سومین مقاله تحت عنوان «لیبرالیسم» است که قبلاً به آن اشاره شد. آخرین مقاله‌ی این فصل تحت عنوان «رویکردهای جدید در تئوری بین‌الملل» است. استیو اسمیت نویسنده‌ی مقاله ابتدا خلاصه‌ی از تحولات اخیر در تئوری روابط بین‌الملل را ارایه داده است. وی تئوری‌های روابط بین‌الملل معاصر را به ۳ گروه تقسیم کرد: ۱- روند کلی تئوری‌های رئالیسم و لیبرالیسم که مورد اعتراض نئورئالیست‌ها یا نئولیبرالیست‌ها قرار می‌گرفت ۲- تحولات تئوریک معاصر که جدای از فرضیه‌های تئوری‌های خردگرایانه است که اولی تئوری تجویزی، دومی تئوری فمینیستی و سومی تئوری بحران ۳- ساختارگرایی اجتماعی است که سعی می‌کند شکاف بین این دو تئوری قبلی را پوشش دهد.

در مجموع؛ نویسنده از این فصل دو هدف عمده را دنبال می‌کند اول این که این تئوری‌ها را خوب درک کنیم چرا که درک آنها در

که برایان وایت<sup>۳</sup> نوشته شده است. در این بخش نویسنده ابتدا دیپلماسی را تعریف می‌کند و آن را به عنوان فرآیندی مهم در ارتباطات و مذاکرات سیاست جهانی و نیز یک ابزار سیاسی برای بازیگران جهانی می‌داند. در ادامه نگارنده راجع به مشکلاتی که از تعریف عام و خاص این واژه به وجود می‌آید، بحث می‌کند. سپس به طور تاریخی سطوح مختلف رشد دیپلماسی نوین را توضیح می‌دهد در انتها نویسنده نقش دیپلماسی را برای بازیگران جهانی، بسیار مهم و کلیدی می‌داند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که محتوا و شکل دیپلماسی تغییر می‌یابد ولی آن هم‌چنان فرآیند مطرح در سیاست‌های جهانی و ابزار مدیریتی برای بازیگران جهانی است.

بخش بعدی «سازمان ملل و سازمان بین‌المللی» به قلم پل تیلور<sup>۴</sup> است. نویسنده ابتدا خلاصه‌یی از تاریخچه‌ی سازمان ملل متحد را نوشته است. در ادامه راجع به مشکلاتی که در داخل کشورها و یا بین دو یا چند کشور وجود دارد بحث کرده است. سپس به سازمان ملل و حفظ نظم بین‌المللی و نقش مداخله‌ی سازمان ملل در کشورها پرداخته است. در ادامه نویسنده اظهار می‌دارد که سازمان ملل، متشکل از گروهی از نهادهای بین‌المللی

جهانی‌شدن» و به قلم راجر تووز<sup>۱</sup> است. نویسنده ابتدا تعریفی از اقتصاد سیاسی بین‌المللی ارائه داده و آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر ساختار بین‌المللی در ارتباط با موضوع اصلی جهانی شدن روابط بین‌الملل می‌داند. نویسنده یکی از مشکلات مهم و کلیدی اقتصاد سیاسی بین‌المللی را ساختار آن می‌داند. چراکه آن به عنوان چارچوب بنیادی اقتصادی سیاسی بین‌المللی است.

مقاله‌ی بعدی تحت عنوان «رژیم‌های بین‌المللی» است. در این مقاله نویسنده اظهار می‌دارد که اگر چه نهادگرایان لیبرال<sup>۲</sup> و واقع‌گرایان اذعان می‌دارند که رژیم‌ها مهم‌ترین خصیصه‌ی نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند و تحلیل‌های زیادی را در این رابطه ارائه می‌دهند ولی آنها به نتیجه‌گیری بسیار متفاوتی در مورد شرایطی که در آن رژیم‌ها ظهور می‌کنند، می‌رسند. اینها در مورد رویکرد قدرت هم اختلاف عقیده دارند. نهادگرایان لیبرال، "قدرت" را به عنوان هژمون یا برتری می‌دانند و دیگر کشورها مجبور به همکاری و اطاعت از آن رژیم‌ها هستند، با وجود این آنها می‌پذیرند که دولت‌ها می‌توانند ایجاد شوند و رژیم‌ها را می‌توان در غیاب قدرت برتر حفظ کرد. از منظر واقع‌گرایان قدرت نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند.

بخش بعدی با عنوان «دیپلماسی» است

1. Roger Tooze.

2. Liberal Institutionalists.

3. Brian White.

4. Poul Taylor.

است که دارای نظام مرکزی، آژانس‌های تخصصی از قبیل سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار و غیره می‌باشد این نهادها و نقش آنها در جامعه‌ی بین‌المللی در اواخر دهه‌ی ۸۰ تغییر کرده است. این بخش به روابط بین‌خصوصیه‌های در حال تغییر و نظم بین‌المللی توجه بیشتری مبذول داشته و راجع به جزئیات این عملکردها کمتر بحث کرده است.

آخرین مقاله‌ی این فصل تحت عنوان «بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی و سیاست‌های جهان به قلم پیتر وایلتنز<sup>۱</sup> است. نویسنده اظهار می‌دارد که موضوع روابط بین‌الملل اغلب شامل روابط بین دولت‌ها است به عنوان مثال روابط بین بریتانیا و هندوستان، مجامع اقتصادی و گروه‌های اجتماعی از قبیل بانک‌ها، شرکت‌ها، دانشجویان و غیره به عنوان دومین بازیگران محسوب می‌شوند: مثل بازیگران غیردولتی این دو رویکرد ممکن است با هم دیگر چالش پیدا کنند.

اهداف این فصل عبارتند از:

۱- نویسنده می‌خواهد یک دیدگاه مثبت نسبت به جهانی‌شدن و ساختار و فرآیندهای آن را مطرح کند و دوم؛ وی معتقد است که این ساختارها و فرآیندها کمک خواهند کرد که جهانی‌شدن را بهتر درک کنیم.

آخرین فصل این کتاب (فصل ۴) تحت عنوان «موضوعات بین‌المللی» است. مقاله‌ی

نخست آن تحت عنوان (حفظ) محیط زیست است. نویسنده اظهار می‌دارد که موضوع (حفظ) محیط زیست در قرن بیستم ظهور کرد و به عنوان یکی از موضوعات بین‌المللی مهم قلمداد شد. اگرچه مشکلات زیست محیطی، موضوعات جدیدی نیستند، صنعتی شدن و رشد سریع جمعیت، تهدید جدی برای منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست تلقی می‌شوند. نویسنده اظهار می‌دارد که بیشتر مشکلات زیست محیطی، فراملی و جهانی و برخی ملی و منطقه‌یی هستند. موضوع (حفظ) محیط زیست بین‌المللی چالش‌های زیادی را برای تئوری روابط بین‌الملل به وجود آورده است. سپس راجع به مشخصه‌های کلیدی و مهم آن بحث شده است.

«منع گسترش سلاح‌های هسته‌یی» موضوع مقاله‌ی بعدی است. در این مقاله بیشتر روی موضوع منع گسترش سلاح‌های هسته‌یی و جهانی شده بحث شده است. مقاله‌ی بعدی با عنوان «ناسیونالیسم» به قلم فرد هالیدی است. نویسنده معتقد است که ناسیونالیسم به عنوان سیستم عقیده و ایدئولوژی و نیز به عنوان یک گرایش سیاسی، یکی از فرآیندهای تکوینی/سازنده در ایجاد نظام جهانی معاصر می‌داند. ناسیونالیسم بحث‌های زیادی را در علوم اجتماعی به طور اعم و روابط بین‌الملل به طور

1. Peter Willetts.

«تجارت جهانی و مالی»، «فقر، توسعه و گرسنگی»، «حقوق بشر» و «موضوع جنسیت» هستند. مقاله‌ی تجارت جهانی و مالی، جنبه‌های اقتصادی جهانی شدن معاصر پرداخته است. در این رابطه نویسنده، راجع به سه مفهوم عام جهانی شدن اقتصاد بحث کرده است. در پایان نویسنده معتقد است که جهانی شدن تجارت با چندین معضل عمده چون نابرابری و ناامنی در سیاست‌های معاصر ارتباط دارد. در مقاله‌ی بعدی «فقر، توسعه و گرسنگی» ابتدا نویسنده راجع به هرکدام از موارد فقر و توسعه و گرسنگی به تفصیل بحث نموده و در پایان با توجه به این سه مورد آینده‌نگری کرده است. هدف نویسنده از این فصل ۱- درک واقعی برخی از مشکلاتی که هر روز با آنها مواجه هستیم ۲- پاسخگویی به سؤال‌هایی که راجع به ماهیت جهانی شدن مطرح است نظیر، آیا جهانی شدن یک پدیده‌ی جدید است؟ آیا آن پدیده سودمند برای جهان خواهد بود، آیا آن اجتناب‌ناپذیر است.

فاطمه هادی‌وش

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

اخص موجب شده است: برخی از این عقاید توضیح می‌دهد که چرا ناسیونالیسم چنین پدیده‌ی بوده است. برخی عقیده دارند که ناسیونالیسم هم‌چنان به عنوان یک بخش مهم در روابط بین دولت‌ها باقی می‌ماند.

نوزدهمین مقاله‌ی این کتاب به عنوان «تعارض فرهنگی در روابط بین‌المللی: اسلام و غرب» است. در این مقاله نگارنده نظریه‌هایی که توسط فوکویاما و هانتینگتون ارائه شده را مورد بحث و بررسی قرار داده است. مقاله‌ی بعدی تحت عنوان «مداخله‌ی بشردوستانه و سیاست‌های جهانی» است. در این مقاله نویسنده نظراتی که موافق و مخالف مداخله‌ی بشردوستانه که متمرکز بر تنش‌هایی بین قدرت، نظم و عدالت در سیاست‌های جهانی است مورد بررسی قرار داده است. البته این مداخلات را در طول جنگ سرد و بعد از آن مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله‌ی بعدی تحت عنوان «منطقه‌گرایی و همگرایی» است. در این مقاله ابتدا تعریف‌های کلی در مورد هر یک از اینها مورد پرسش قرار داده و سپس منطقه‌گرایی و همگرایی در نقاط مختلف جهان را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله‌های بعدی این فصل تحت عنوان



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د پوهنتون  
پرتال جامع علومو انساني